

خلاصه:

این نوشته به موضوع می‌پردازد که از یکسو امریکا گفتگوهای صلح را با طالبان در قطر به پیش می‌برد، ولی در سوی دیگر حملات شان را در روستاهای افغانستان تشدید ساخته‌اند. هدف آنان این است تا میان گروه سیاسی و گروه نظامی طالبان شک و تردید و جدایی ایجاد کنند.

سخن هفته: دو واقعیت متناقض؛ کشتار مردم ملکی و گفتگوهای صلح

در حالی که گفتگوهای صلح داغ‌ترین موضوع این روزهای افغانستان می‌باشد و طرف‌های مذاکره کننده - امریکا و گروه طالبان - از نتایج مثبت این گفتگوها سخن می‌زنند؛ اما کشتار مردم بی‌گناه در ولایات مختلف از واقعیت دردناک و بی‌پایان جنگ و ناآرامی حکایت دارد. چنانچه در تازه‌ترین مورد ده‌ها فرد ملکی در چندین ولایت جان‌های خود را در نتیجه‌ی حملات هوایی نیروهای افغان و امریکایی از دست دادند. گزارش اخیر یوناما نشان می‌دهد که در ولایت‌های میدان وردک و ننگرهار در نتیجه عملیات مشترک نیروهای افغان و امریکایی که شبانگاه در این دو ولایت رخ داده بیش از 13 زن و طفل بی‌گناه جان‌های خود را از دست دادند. همچنان در رویداد مشابه دیگر در ولایت پکتیکا نیز 11 فرد ملکی کشته شدند.

این در حالی است که پنجمین دور گفتگوهای صلح در حالی با خوشبینی‌ها به پایان رسید که واقعیت عینی افغانستان حکایت روشن از ادامه جنگ و ناآرامی دارد. یک طرف گفتگوهای صلح جریان داشته و طرف دیگر حملات هوایی نیروهای امریکایی و افغان از مردم بی‌گناه قربانی گرفته و خانه و کاشانه‌ی شان را ویران می‌کند. اگر به راستی امریکا و حکومت دست نشانده آن در آوردن صلح صادق می‌بودند، باید این گفتگوها زمینه را برای صلح و ثبات مهیا می‌ساخت. اما آنچه که واضح و آشکار است این که با گفتگوهای صلح در اصل می‌خواهند با خون مردم بازی کرده و مقاصد سیاسی خود را با به خاک و خون کشانیدن مردم بی‌گناه بدست آورند.

تلفات ملکی در اصل نیت واقعی مدعیان دروغین صلح را برملا می‌سازد، اما آنچه حائز اهمیت است این که گفتگوهای صلح به رهبری امریکا هیچ‌گاه منجر به به میان آمدن صلح در افغانستان نخواهد شد. این‌جا منافع ملی امریکا حرف اول را می‌زند، و منافع امریکا تنها در جنگ و ناامنی حاصل می‌گردد و یا صلحی که نفوذ آنان پایدار باقی بماند. ، نه صلح که مردم آرزوی آن را دارند.

یکی از شروط مذاکرات صلح قطر، خروج نیروهای امریکایی از افغانستان می‌باشد و خروج امریکا نیز مشروط به توقف جنگ از جانب گروه طالبان می‌باشد. اما تلفات ملکی که محصول عملیات مشترک نیروهای امریکایی و حکومت افغانستان می‌باشد، در واقع وسیله‌ی برای تحریک جنگجویان طالبان می‌باشد، جنگجویانی که چندان به گفتگوهای صلح با امریکا علاقه‌مند نیستند. از این‌رو، با تحریک و ناراض ساختن جنگجویان طالبان و کشتار مردم بی‌گناه شکاف عمیق میان سران این گروه که مشغول گفتگوهای صلح با امریکا می‌باشند و جنگجویان آن به‌میان خواهد آمد؛ و نفرت و انزجار شان نسبت به این گفتگوها آن‌هم با کسانی که هنوز از کشتار مردم بی‌گناه دست بردار نیستند بیشتر از قبل خواهد گردید. چنین حالتی تلاش آن‌ها را برای مقاومت در مقابل امریکا و حکومت بیشتر ساخته که این خود شرایط دوام جنگ و حضور امریکا در افغانستان را مساعد می‌سازد.

از این‌رو، می‌توان گفت که این درست همان مکر و حیل‌ه‌ی است که امریکا در گفتگوهای صلح علیه طالبان از آن استفاده می‌کند تا از یک سو تعدادی از این گروه را به بهانه صلح بر سر میز مذاکره بنشانند و از سوی دیگر جمع دیگری از این گروه را برای شعله‌ور نگهداشتن آتش جنگ در میدان نبرد حفظ نماید. و این

خود زمینه‌سازی برای حضور امریکا در افغانستان می‌باشد تا همچنان یک بخش از نیروهای خود را در افغانستان که از دید سیاسی و استراتژیک اهمیت فراوان برای امریکا دارد، حفظ نماید.

با تمام این‌ها باید گفت که صلح، ثبات و آرامی تنها الفاظ میان تھی اند که بخاطر اغوای اذهان عامه مورد استفاده قرار می‌گیرند و در میدان واقعیت چیزی بنام صلح و تلاشی که به راستی موجب به میان آمدن آن گردد، صورت نمی‌گیرد. همچنان باید اضافه کرد که هرگاه تصمیم جنگ و صلح افغانستان در دستتان بزرگترین قاتل مردم این سرزمین باشد که سالانه هزارها بمب را بالای آن‌ها پرتاب می‌نند، هیچ‌گاه نمی‌توان امیدی به آمدن صلح داشت. در واقع صلح امریکا جنگ است و جنگ امریکا یعنی تلفات بیشتر مردم بی‌گناه افغانستان و ادامه وحشت و تروری که سالها است که از مردم قربانی می‌گیرد. پس صلح و ثبات و توقف تلفات مردم بی‌گناه این سرزمین زمانی ممکن است که دست اشغال‌گران از این سرزمین به کلی قطع گردد.

سهیل صالحی